



باسم تعالی

## تعریف مدارس شناختی



مدرسه شناختی مدرسه‌ای است که بر اساس رویکرد شناختی اداره می‌شود، مدرسه‌ای که دانش‌آموز محور است و نقش معلم، مدیر، مربی در آن تسهیل رشد ذهنی و جسمی کودک می‌باشد. وظیفهٔ مدرسه، فراهم آوردن شرایطی است که کودک بتواند براساس انگیزه‌های درونی خویش و از طریق فرایند خود مدیریتی، خود تنظیمی، خود پایشی و خود ارزیابی به یادگیری معنادار بپردازد. کودک در این مدرسه مهارت‌های شناختی، فراشناختی و انگیزشی خود را در چرخهٔ تعادل و عدم تعادل شناختی و به‌وسیله راهبردی که خود مالک آن است توسعه می‌بخشد تا برای زندگی واقعی و ایفای نقش اجتماعی خویش از رشد لازم ذهنی، شخصیتی، هیجانی، اخلاقی، معنوی و اجتماعی برخوردار گردد و خلاقیت و توان حل مسئله و رهبری خود را به‌منظور توسعه دانش بشری و معرفت دینی به منصفه ظهور برساند.

فضاهای فیزیکی مدرسه، امکانات و تجهیزات آن، چیدمان کلاسها و نحوهٔ تنظیم ساعات درسی در مدرسه باید با رویکرد شناختی سازگار باشد. بین ساعات درس و غیر درس و ساعات مدرسه و خارج از مدرسه و ساعات فعالیت ذهنی و فعالیت بدنی جدائی نیست و خانه و مدرسه باید هماهنگ باشند.

فضای مدرسه، باید از معیارهای استاندارد آموزش و پرورش شناختی برخوردار و مساحت مناسب برای فعالیت هر دانش‌آموز در آن در نظر گرفته شده باشد، به‌طوری که کلیهٔ امکانات لازم را نظیر، فضای بازی، زمین ورزش، کلاس درس، سرویسهای دستشویی، دفاتر کارکنان اداری، کتابخانه، آزمایشگاهها، کارگاههای، امکانات سمعی و بصری، فضاهای گفتگوی دوستانه، سالن اجتماعات، محل نگهداری لوازم شخصی و... داشته باشد. باید یادآوری کرد که در مدرسهٔ شناختی نکات زیر مورد تأکید است:

- ❖ اصلی‌ترین مسئله دربارهٔ رشد ذهن و تفکر کودکان این است که «چه چیزی رشد می‌کند؟» و «چگونه رشد اتفاق می‌افتد؟». چهار مؤلفه فرایند تغییر که به نظر می‌رسد به طور خاص نقش برجسته‌ای در رشد شناختی داشته باشند عبارتند از: خودکار سازی، رمزگردانی، تعمیم و تولید راهبرد.
- ❖ نوزادان و کودکان از نظر شناختی دارای کفایت بسیار بالاتری از آنچه به نظر می‌رسد هستند. آنها دارای مجموعه‌ای از تواناییهای برجسته هستند که یادگیری سریع ایشان را امکان‌پذیر می‌سازد.
- ❖ تفاوت‌های موجود در بین گروه‌های سنی مربوط به میزان توانایی آنهاست و نه نوع توانایی آنها. نه تنها کودکان خردسال بیش از آنچه به نظر می‌آید کفایت شناختی دارند، بلکه کودکان بزرگتر و بزرگسالان اغلب از کفایت کمتری از آنچه ما تصور می‌کنیم برخوردارند.

- ❖ تغییرات تفکر کودکان در خلأ رخ نمی دهد. آنچه کودکان از قبل در بارهٔ موادی که با آن روبرو می شوند می دانند نه تنها بر نحوهٔ یادگیری آنها، بلکه بر آنچه یاد می گیرند تأثیر می گذارد.
- ❖ رشد هوش تغییراتی را در ساختار و کارکرد مغز و نیز آماده سازی مؤثر منابع شناختی نشان می دهد.
- ❖ تفکر کودکان در بستر اجتماع رشد می کند. والدین، هم‌تایان، معلمان و به طور کلی جامعه بر آنچه کودکان می اندیشند و نیز چگونگی و چرایی تفکرشان در قالب یک روش خاص تأثیر دارند. افزایش درک ما از تفکر کودکان فواید عملی دارد و موجب بینش نظری نیز می شود.